

# صحنه شطرنج گذار بین‌المللی و نقش تعامل ایران و روسیه در آن

شانگهای و همچنین حمایت روسیه از مذاکرات هسته‌ای پیش رو در وین، از جمله دستاوردهای اولیه داشتن روابط مشخص و روی قاعده با قدرت‌های بزرگ است. پیش‌بینی‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی نشان می‌دهد قاره آسیا در دو دهه پیش رو، بار دیگر به نقطه ثقل اقتصاد جهانی بدل خواهد شد و آن‌طور که گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد، از میان ۶ قدرت نخست اقتصادی در سال ۲۰۴۰ میلادی، چهار مورد غیر غربی (به مفهوم عام) خواهند بود: چین، هند، ژاپن و روسیه. پس بنابراین داشتن روابط راهبردی با کشورهایی که اختلافات ایدئولوژیک و مبنایی با آنها نداریم، می‌تواند وزن سیاسی و نظامی ایران در صحنه روابط بین‌الملل را بالاتر ببرد.

پیشتر گفتیم که برقراری روابط راهبردی باید برای دو طرف قرارداد و تعامل، منافع مشخص داشته باشد. روسیه از انرژی به‌عنوان ابزاری قوی برای حاکمیت خود در اوراسیا و داشتن اهرم فشار در مقابل اروپا بهره برده و حتی پس از انعقاد برجام در سال ۲۰۱۵ که با لغو تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران همراه شد، پیشنهادات فراوانی از سوی روس‌ها برای سوآپ گازی ایران به اروپا مطرح شد که با بی‌میلی دولت وقت به نتیجه مطلوب نرسید. موضوع انتقال و انحصار انرژی اروپا، موضوعی راهبردی برای روسیه است و مسکو در این موضوع با کسی تعارف ندارد؛ موضوعی که رسانه‌ها و مقامات غربی از هر طریق به دنبال فضا سازی در این خصوص علیه روسیه بهره می‌برند. حتی شاهد بودیم در جریان اکتشاف «میدان گازی چالوس» (که گفته می‌شد ایران را به جایگاه نخست در زمینه منابع گاز طبیعی در جهان ارتقا داده)، چه شانتاژ رسانه‌ای از سوی رسانه‌های غربی و وابسته رخ داد که مسکو به ایران اجازه استحصال و صادرات گاز شمال ایران در صورتی که روسیه برای سرمایه‌گذاری و صادرات گاز شمال ایران اعلام آمادگی کرده است.

امروز در دوران گذار صحنه روابط بین‌الملل و در صفحه شطرنج این دوران گذار، ایران بازیگر مؤثر و غیرقابل چشم‌پوشی است. اینکه چینی‌ها و روس‌ها برای قرارداد بلندمدت با تهران اعلام آمادگی می‌کنند و در تحولات منطقه‌ای، موضعی همسو با ایران دارند، نشان از یک درک متقابل است. در غائله افغانستان اگر همسویی ایران، چین و روسیه نبود، شاید دامن افراط‌گرایی و خلأ حاکمیت مقتدر در افغانستان براحتی دامن سه کشور را می‌گرفت. همچنین در موضوع عادی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی، روسیه و چین بشدت با آن مخالفت کردند زیرا به درستی می‌دانند که ایران نسبت به تحولات و همسایگی رژیم صهیونیستی با مرزهای خود بشدت حساس است و برای کاهش دغدغه‌های تهران، موضعی قاطع نسبت به فرایند عادی سازی اخذ کردند. ایران بازیگری توانمند است که می‌تواند در مسئله اوراسیای روسیه را در آسیای مرکزی و قفقاز همکاری کند. در جریان تنش بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ و زمانی که تهران در پایین‌ترین سطح ممکن، نسبت به این تحولات واکنش نشان داد، با تعجب روسیه روبه‌رو شد و بعد از ایجاد فرایند آتش‌بس زمانی که وزیر خارجه ایران قصد سفر به مسکو، باکو و ایروان را داشت، شاهد بودیم با بی‌میلی روسیه نسبت به این سفر، به بهانه حضور وزیر در جلسه لایحه بودجه، سفر لغو شد. اما با تغییر دولت و رویکرد نسبت به تحولات منطقه‌ای در ایران، شاهد بودیم که مسکو فرایند تحولات قفقاز جنوبی را از ابتکار ۲+۳ (روسیه، ترکیه + جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان) به ۳+۳ و حضور ایران در ابتکارات منطقه قفقاز جنوبی تغییر داد.

ایران به‌عنوان یک هویت امنیت‌ساز در منطقه و جهان، همواره برای منافع همه کشورها حائز اهمیت بوده و قطعاً داشتن تعاملات راهبردی و بلندمدت با قدرت‌هایی که در آینده نزدیک در دنیا به‌عنوان تعیین‌کننده معادلات بین‌المللی ایفای نقش خواهند کرد، برای ایران هم بسیار مهم و در راستای منافع ملی کشورمان خواهد بود.



**امروز در دوران گذار صحنه روابط بین‌الملل و در صفحه شطرنج این دوران گذار، ایران بازیگر مؤثر و غیرقابل چشم‌پوشی است. اینکه چینی‌ها و روس‌ها برای قرارداد بلندمدت با تهران اعلام آمادگی می‌کنند و در تحولات منطقه‌ای، موضعی همسو با ایران دارند، نشان از یک درک متقابل است**

همکاری ایران و چین به امضا رسید، نشان از آن داشت که چینی‌ها به این درک رسیده‌اند که امروز ایران به تنهایی در منطقه پر آشوب غرب آسیا، لنگرگاه امنیت و ثبات بوده و کشوری است که می‌تواند در تأمین منافع پکن در غرب آسیا مؤثر و نقش آفرین باشد. حال و تحت این شرایط، قرارداد ۲۰ ساله با روسیه را از آن جهت مکمل قرارداد با چین می‌دانیم که امروز و در صحنه گذار روابط بین‌الملل، غربی‌ها جایگاه اقتصادی و سیاسی خود را در دنیا از دست داده‌اند و قطب در حال خیزش آسیایی (با دو بال اقتصادی چین و نظامی روسیه)، تعیین‌کننده بسیاری از مناسبات در دنیا خواهند بود که پیشتر غرب به سردمداری آمریکا آن را هدایت می‌کرد و یکی از نقاط اشتراک مهم ایران، روسیه و چین هم همین موضوع بوده که این سه کشور هر کدام به طریقی با نظم آمریکایی در دنیا مقابله مؤثری داشته‌اند.

واقعیت این است که ویژگی اصلی سیاستگذاری در روسیه پسا شوروی یک پراگماتیسم در دوره حاضر (عملگرایی) و تصمیم‌گیری بر اساس قاعده هزینه و فایده است. در مورد ایران هم ما یک نظام مستقل هستیم که سیاست خارجی مستقلی داریم و چهارچوب سیاست خارجی ما کاملاً تدوین شده و روشن بوده و وابسته به روسیه نیست اما برای داشتن روابط مستحکم و قوی با دنیا، داشتن هم‌پیمانی استراتژیک با قدرت راهبردی برای هر کشوری منجمله ایران نیاز است. تلاش روسیه برای عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا که منجر به روابط تهران با این اتحادیه براساس تعرفه ترجیحی شد، تلاش مسکو برای جلب رضایت ترکمنستان و موافقت همه اعضا در خصوص عضویت ایران در سازمان همکاری

ایران و روسیه همواره در طول تاریخ دو بازیگر مهم منطقه‌ای و کنشگر غیرقابل چشم‌پوشی در عرصه روابط بین‌الملل بوده‌اند. علاوه بر نقش مستقل این دو کشور در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، اهداف و منافع این دو کشور در بسیاری از موارد، همسو و همپوشانی زیادی داشته و دارد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پس از یک دوره کوتاه در روسیه، روس‌ها با سیاست اوراسیایگرای، نقش و بزرگتری خود را بر جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی با تعریف آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان «خارج نزدیک» خود، حفظ و تقویت کردند. در راستای این راهبرد بود که روسیه پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین توانست، بحران‌های عدم انسجام داخلی و اقتصادی را پشت سر بگذارد و در عین حال، نسبت به تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه خارج نزدیک خود، بشدت حساس شد. تهران با درک این واقعیت میدانی، مسیر تعامل و همکاری با روسیه را در پیش گرفت و روسیه نیز در پاسخ به این حسن‌نیت تهران همواره مسیر روابط نزدیک را طی کرده است. اما ذکر این واقعیت در عرصه تعاملات کشورها با یکدیگر مهم است که عرصه روابط بین‌الملل عرصه کسب منافع است و هیچ دوستی و دشمنی نیز ابدی و پایدار نیست. طبق این قاعده، تعریف منافع مشترک می‌تواند بر طول و عمق روابط کشورها به سمت روابط طولانی‌مدت و در نهایت داشتن روابطی راهبردی کمک کند. کشورها زمانی که بتوانند به فهم مشترکی از نیازها و منافع متقابل برسند، می‌توانند در مسیر داشتن روابط راهبردی و طولانی‌مدت اقدام کنند. آن چیزی که این روزها و در آستانه سفر آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور کشورمان به مسکو گزارش می‌شود، بیانگر همین مهم است که تهران و مسکو در پی تعاملات دوجانبه و همکاری‌های چندجانبه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی به سطحی از همپوشانی منافع رسیده‌اند که باید خلأ یک رابطه راهبردی بلندمدت در روابط دو کشور پوشانده شود.

شاید بزرگ‌ترین سطح روابط و تعاملات منطقه‌ای را بتوان در همکاری ایران و روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری در سوریه به آن اشاره کرد. روس‌ها و البته دیگر قدرت‌های دنیا بخوبی می‌دانند که ایران، آخرین سنگر مقابله و ایستادگی در مقابل اشاعه تکفیری‌ها به دیگر مناطق دنیا است. ایران کلای گرانبها و ارزشمند «امنیت» را با هزینه بسیار گرانی تولید کرده و تا امروز به‌صورت رایگان در اختیار کشورهای دنیا قرار داده و استمرار این روند قطعاً بر امنیت و توسعه دیگر کشورها تأثیر بسزایی دارد. زمانی که برنامه ۲۵ ساله

